

چند پیشنهاد به شورای انقلاب

بسمه تعالی

الذین استجابوا لله والرسول من بعد ما اصابهم القرع للذین احسنوا منهم واتقوا اجر عظیم. الذین قال لهم الناس ان الناس قد جمعوا لكم فاخشوهم فزادهم ايماناً و قالوا حسبنا الله و نعم الوکیل.

آن کسان که پس از دچار شدن به زخم کاری باز هم دعوت خدا و رسول را پاسخ گفتند، برای آن عده از آن افراد که نیکی کردند و پروا پیشه ساختند پاداشی است بس بزرگ. همان افراد که مردم بدینشان گفتند که مردم (دشمن)، برای (جنگیدن) با شما گرد آمده‌اند و از ایشان اندیشناک شوید بر ایمانشان افزوده شد و گفتند خدای ما را بس است و بهترین کارگزار است. (آل عمران/ ۱۷۳-۱۷۴)

در آن هنگام که به فضل خدا و همت والای خلق مبارز ما و رهبری واقع‌بینانه امام خمینی نهضت حق‌طلبانه و ضداستعماری و ضداستبدادی ملت شریف ایران، به انقلابی قهرآمیز تبدیل شد و بنیاد استبداد دست‌نشانده امپریالیسم را برکند، اداره کشور ویران و درهم ریخته شده و نابسامان ما، از سوی رهبر واقعی و بزرگ مردم به برادر مبارز مهندس بازرگان سپرده شد و فرمانبرداری از او شرعاً بر همه افراد ملت واجب گردید. این مأموریت عظیم و خطیر در آن موقعیت حساس تاریخی که هم خود بنیادی مستقل بود و هم مجری دستورهای نهاد پر اهمیت شورای انقلاب بود که این به معنای حرکتی است در عرض و در طول آن، به عهده وی گذاشته شد تا تصمیمات انقلابی آن نهاد را که به منزله قوه مقننه کشور در دوران انقلاب و دوران فوق‌العاده است و نیز تصویب‌نامه‌هایی را که خود می‌گذرانند به اجرا درآورند. و نیز آنچنان که طبیعت یک انقلاب است، فرزندان اصیل آن انقلاب، کمیته‌ها و پاسداران، بازوی توانا و نیرومند و بیدار و فداکار مردم، سلاح بردوش و جان برکف به پاسداری و سازندگی کشور سوخته و درهم ریخته خود برخاستند از طرف دیگر دشمن اصلی و هولناک ما امپریالیسم جهانخوار و زخم‌خورده آمریکا و صهیونیسم جنایتکار بین‌المللی و همدستان و سرسپردگان زیان‌دیده و خسرانزده آنها در درون و بیرون، سخت به تکاپو افتادند تا از پریشانی اوضاع و عدم تمرکز به شکل طاغوتی سوءاستفاده کنند و با ایجاد بلوا و آشوبهای موضعی، پراکندن شایعات گوناگون، لکه‌دار کردن خدمتگزاران کنونی با سوابق درخشان مبارزاتی آنان، محیط را پیوسته نامساعد و متشنج نگه دارند و زمینه‌ای مناسب برای به وجود آمدن سوءظنها و عدم اطمینان به یگدیگر فراهم آورند.

از سوئی با برداشته شدن فشار و عقب رفتن سد و مانع آزادی، ملت اسیر و زندانی ۲۵۰۰ ساله یکباره به حرکت در می‌آید و با شوق پرواز به تلاش دست می‌زند و توقع دارد دیگر هیچ مانعی به نام

قانون و مقررات یا حد و مرز و نظم و ترتیب و مصالح جمعی خاص و منافع گروهی و آنچه را غیرانقلابی می‌داند یا از آثار و نشانه‌های دوران گذشته می‌شمارد در برابرش قرار نگیرد و بتواند تا نهایت مسیر را آزادانه بپیماید. اما مردم ما نه در یک جامعه منظم که همه چیزش بر سر جای خود باشد، قرار داشتند و دارند و نه همه عوامل و عناصر برای انجام یک پرواز انقلابی و عمل بی‌مانع و مطلوب فراهم بود و هست. گروهها و احزاب و انجمن‌ها و جمعیتها یکی پس از دیگری از چپ و راست خلق می‌شوند و برای اظهار وجود و مطرح ساختن خود در جامعه و جلب و جذب عضو و مرید بیشتر، در انقلابی‌نمائی و چپ‌روی به مسابقه برمی‌خیزند، و برای اثبات درستی تئوریهای خود، چون در برابر، گروه اجرائی و نهادهای موجود را می‌بینند و کارشان را در جهتی خلاف نظر و مسیر خویش یا نه چندان همراه و هماهنگ می‌یابند، برای از پیش پا برداشتن این مانع به هر گفتار و رفتاری دست می‌زنند و اوضاع را درهم می‌ریزند تا ثابت کنند که تنها نظریه‌های خود آنها درست است و بس، و برخی دیگر که از زرنگی بیشتری برخوردارند و می‌دانند که در شرایط حاضر خود هم قادر به عمل نیستند، با ادعاها و گفته‌هایی پیوسته خود را انقلابی و وجیه‌المله نشان می‌دهند، اما حاضر به قبول مسئولیت اجرائی هم نمی‌شوند، مبدا خود در معرض آزمایش عملی قرار گیرند.

دولت غیرمنسجم از نظر اعضاء، بی‌هیچ فرصتی برای مطالعه و برنامه‌ریزی، بدون داشتن نظری نزدیک به چشمداشتها و تلقیهای مردم، در میان چنین جوی مأمور به انجام وظیفه گردید، و با ایثار و فداکاری قابل توجهی به تلاش دست زد. افراد مسلمان و مبارز و مدعی بودن در خط امام و وابسته به گروهها و طرز تفکرهای گوناگون را به همکاری دعوت کردند، ولی یا رد می‌کردند و یا چنان شرایط سنگینی در برابر همکاری خود خواستند که عملاً به معنای رد دعوت بود. دولت با این برداشت که برنامه‌اش مشخصاً همان فرمانهایی است که امام در حکم نخست‌وزیری قید کرده بود، نسبت به آنچه در مملکت هر روز حادث می‌شد و نسبت به سر و سامان دادن به ماشین عظیم و زنگزده اداری، توجه کمتری نشان می‌داد. دولت انتظار داشت همچون زمان استقرار، همه کس وظیفه خود را بدانند، هیچکس در کار دیگری دخالت نکند، امور به شکلی عادی جریان یابد، دشمن هیچ مزاحمت و حادثه‌ای ایجاد نکند، عوامل داخلی آنها به توطئه و دسیسه و سمپاشی و شایعه‌سازی نپردازند تا فرمانهای از پیش تعیین شده امام را یکی پس از دیگری، در زمانی پیش‌بینی شده به انجام رسانند، سپس امانتی را که امام و امت به دستشان سپرده‌اند به دولت بعدی منتقل کند. اما حوادث پیش‌بینی نشده، مشکلات، توطئه‌ها و کارشکنیها چنین اجازه‌ای نمی‌دهد، لذا دولت موقت انقلاب، خسته و کوفته از تلاشهای بسیار و فداکاری و ایثار و رنجیده از دخالتهای با جا و بیجا، تهمت زدن و تعدد مراکز قدرت و اعمال قدرتهای بعضاً حساب نشده، در برابر انتقادهای سازنده و منطقی دوستداران و دردمندان نیز تاب تحمل از دست داده به گلایه و شکایت و توقع یاری می‌پردازد. دولت و هیأت رهبری که شامل شخص امام و شورای انقلاب و مجریان امور و کمیته‌ها و پاسداران و بنیادهای مختلف نیز می‌شود، در همین مدت کارهای عظیم و اقدامات درخشان و چشمگیری کرده‌اند که با توجه به شرایط فوق‌الذکر و مشکلات حساب شده و نشده اغلب به معجزه شبیه بوده است. اما نه مردم انقلابی را، به علت فوق‌العاده بودن دردها و نابسامانیها و با توجه به خواسته‌های فراوانشان، قانع می‌کرد و نه روشنفکران واقعی و انقلابی را.

دولت معتقد بود که من اقدامات انقلابی را هم مرحله‌ای و گام به گام انجام می‌دهم و مردم گام به گام راه، متناسب با یک روند انقلابی نمی‌دیدند و توقع داشتند تمام زشتیها و نابسامانیها یکباره و با اقدامی انقلابی، بدون گذار از مراحل بوروکراتیک دستگاه پوسیده اداری و به وسیله قوانین دست و پاگیر و مزاحم، از میان برداشته شود. این تضادها با توجه به شرایط کنونی جامعه ما طبیعی است و هیچ انقلابی خالی از این تضادها نبوده است و بسیاری از آنها هم سازنده و اصلاح‌کننده و از پیش برنده است، اما بزرگترین اشکال و تضاد لاینحل، دخالتها، قدرشناسیها و ناهماهنگی در ارکان بالای یک کشور است، چه در هیأت دولت و اعضای کابینه با یکدیگر و چه در میان شورای انقلاب و دولت و نهادهای انقلابی. در یک چنین وضعی است که از یک طرف، فرصت‌طلبی و خودنمائی به شدیدترین شکلش بروز و ظهور می‌کند و از طرف دیگر، کارها در هیچ سطحی انجام نمی‌گیرد و به پیش نمی‌رود، و در این میان توده انقلابی دچار سرگردانی و یأس و سردی و از دست دادن روحیه انقلابی می‌شود. در چنین شرایطی، مردم به عمل انقلابی تندی وادار می‌شوند که الزاماً حساب شده و هماهنگ نیست، احزاب و دسته‌ها، که غالباً خود پیشرو و رهبری کننده نیستند به دست و پا می‌افتند، سخت در معرض آزمایش قرار می‌گیرند و برای عقب نیفتادن از جریان به هر کاری دست می‌زنند. برای مثال نخست‌وزیر مسؤل و متعهد را استیضاح می‌کنند که چرا بدون مشورت با امام با نماینده دشمن به صحبت نشسته است، بدون اینکه به محتوای سخن و روش آن کاری داشته باشد، اما وقتی شورای انقلاب، بدون توجه به اعتراضهای قبلی و بدون مشورت با امام، با آمدن نمایندگان کارتر برای مذاکره درباره گروگانها به تهران موافقت می‌کند (روزنامه جمهوری اسلامی، پنجشنبه ۱۷ آبان ۱۳۵۸، صفحه ۸) کسی اعتراض نمی‌کند. و باز هم این امام است که با مشی قاطع ضدامپریالیستی خویش همه افراد مسؤل را از دیدار و مذاکره با نمایندگان کارتر منع می‌کند و خط درست و مستقیم را نشان می‌دهد.

* * *

بنابراین، در موقعیت تاریخی و تعیین‌کننده کنونی که وظیفه سنگین اداره کشور از طرف امام به شورای انقلاب واگذار شده است و انقلابی بزرگتر از انقلاب نخست از طرف امت آغاز گردیده است، نهضت آزادی ایران با احساس مسئولیت در برابر خدا و خلق و به دور از گرایشهای گروهی پیشنهاد می‌کند:

۱- همه افراد امت، اعم از گروهها، احزاب، انجمنها، و جمعیتهای متعهد و مسؤل، در جهت الله به صورت یکپارچه و همبسته همچون شالوده از سرب ریخته شده در خط واقعی امام حرکت کنند. خط امام برای توده مردم روشن است و در واقع همان پشتیبانی از حق و برقراری قسط و عدالت اجتماعی برای همه آحاد توده محروم، و سازش‌ناپذیری با هر مستکبر جباری می‌باشد.

۲- از فرصت پیش آمده به وسیله امت انقلابی استفاده کنند و مشی بنیادی ضدامپریالیستی را در جهت قطع کامل روابط استعماری با امپریالیستها و در وهله اول با امپریالیسم آمریکا، هرچه باشکوهتر و عمیقتر و همه جانبه‌تر دنبال کرده و از اختلافها و چند دستگیها که نتیجه‌ای جز ضعف و شکست در بر ندارد سخت بپرهیزند.

۳- شورای انقلاب با ترکیبی نو از افراد انقلابی و متعهد و مسلمان و دردمند و هماهنگ تجدید سازمان کند و خود را برای بسیج انقلابی توده‌ها و هماهنگ شدن با توده‌های انقلابی شایسته سازد و برای زنده نگه داشتن و عملی ساختن اندیشه والای پدر طالقانی که پیوسته در خط امام حرکت می‌کرد

و قلبش برای ملت می‌تپید، شوراها و نظام شورائی را به شکلی انقلابی و اسلامی به اجرا درآورد.

شورای انقلاب و ملت ایران مطمئن باشند که:

ان ینصرکم الله فلاغالب لکم و ان یخذلکم فمن ذالذی ینصرکم من بعده

درود به امام خمینی رهبر نستوه و انقلابی امت

سلام بر روان جاویدان پدر طالقانی مظهر همبستگی و حرکت همه قشرهای امت

دورد بر خلق همیشه انقلابی و پیوسته مبارز ایران

نابود باد امپریالیسم جهانخوار به سرکردگی آمریکا

نهضت آزادی ایران

۱۸/آبان/۱۳۵۸